

پرستار نمونه



لیلا خجهمی

مثل تنور داغ است، بذر
شنبليله را فراموش کرد و رفت
یک حوله‌ی خیس آورد و گذاشت
روی پیشانی خاله قزی. بعد هم
برای خاله قزی جوشانده‌ی
گیاهی درست کرد و سوپ
شلغم بار گذاشت. آن قدر سرگرم
پرستاری از خاله قزی شد که
کارهای خودش را فراموش کرد.
خاله قزی تا جوشانده‌ی گیاهی
را خورد، حالش
بتر شد و
سوپ

اگر به پیشانی‌اش دست می‌زدی،
ممکن بود دستت بسوزد.
طفلکی خاله قزی خوابیده بود
توی رخت‌خواب و ناله می‌کرد
که سروکله‌ی عمه قزی پیدا شد.
عمه قزی آمده بود از خاله قزی
کمی بذر شنبليله قرض
بگیرد اما تا دید خاله قزی
افتاده توی رخت‌خواب و

وقتی مریض می‌شوی،
خوب است یک پرستار
مواظبت باشد تا زود
خوب شوی، یک پرستار
مهربان و نمونه. خاله قزی هم
مریض بود.
خاله قزی مریض بود. تب کرده
بود. آن قدر داغ بود که لپ‌هایش
گل انداخته بود. آن قدر داغ بود که

